

Hafshejan: Iran Sculpture Art Center Review and Introduction of Sculptural Works (Stone tombs and stone lions)

Mohammad Afrough * 

Associate Professor, Farsh of Arak
University. Arak, Iran.

Abstract

Sculpture is one of the oldest Iranian arts which found a prominent appearance in the carving and production of stone tombs and stone lions from the Safavid period and its effect can be seen in the cemeteries of different regions such as Isfahan, Chaharmahal and Bakhtiari, Khuzestan, Shiraz, and Lorestan. Muslims, based on religious and Islamic beliefs and worldviews, believe in the world after death, and consider it obligatory to honor the memory of a deceased through a sense of belonging. Therefore, they try to keep his memory alive in the most beautiful way possible with conventional ceremonies and the implementation of traditional rituals, especially the installation of a memorial stone along with the name and characteristics of the deceased. This Post Islam indigenous and long-standing art found a prominent expression, from the Safavid period in the carving and production of stone tombs and stone lions. As a manifestation of Islamic art, the tombstone is the deceased's certificate and also a memorial that is decorated in the form of inscriptions, literary, religious, epic sketches, and abstract and symbolic images (in the dignity and description of his social position). The mentioned process is a part of the prominent tradition and ancient monuments of Muslims and especially Iranians. This tradition, along with placing a stone lion on the tombstone, is one of the rituals of honoring the deceased among the Bakhtiari people. A stone lion is a symbolic element on the graves of brave and famous men who have social dignity and heroic status. The importance and necessity of the subject of this research is that tombstones and stone lions along with decorative arrays while having historical,

(Corresponding Author: m-afrough@araku.ac.ir)

How to Cite: Afrough, M. (2023). Hafshejan: Iranian Sculpture Art Center Reading and introducing sculptural works (tombstones and stone lions), *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 10 (20). 153-203

memorial, and aesthetic dimensions, are a part of the national cultural identity and ethnic heritage which deserves to be preserved as a museum and should be presented in the form of documentation and research to present to the audience and future generations in addition to physical preservation. In addition, the understanding and awareness of the inscriptions and paintings on the tombstones of Hafshejan is a path that leads to comprehending the cultural and social values and the vision of the natives of the region. This research is of a qualitative and developmental type, and its prominent features are the field dimension and originality of the subject. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is both field and library. The city of Hafshejan, adjacent to Shahrekord in Chaharmahal and Bakhtiari province, it has been one of the most prominent centers of sculpting and stone carving in Iran from the past until now. There are many practical stone works such as stone doors, types of stone mills, plinths, and stone columns of historical monuments of Chaharmahal and Bakhtiari province, which belong to Khavanim Bakhtiari. Also, the types and masses of stone tombs and stone lions in the geography of Bakhtiari (Chaharmahal and Bakhtiari provinces, Isfahan and Khuzestan), and other diverse stone works, were all created by the artists of Hafshejan. The stone works of Hefshjan are the result of the thought, taste, and imaginative creativity of the artists of this country, which have been sculpted and produced since the Safavid era or more precisely from the Qajar era. By examining the tombstones and stone lions in the Bozlor cemetery of Hafshejan, it was found that the old stones based on the limited number of them that remained are cubical, long, and rectangular which are on their ground. Geometric motifs and beautiful calligraphies and all kinds of animal motifs, including birds and animals, lions, cows and calves, camels, goats, and vegetal motifs, including the tree of life, flowers and vases, sun patterns and ornaments, motifs related to tools. Weaving, hunting, cleaning and other miscellaneous motifs have been sculpted. These motifs both reflect the beliefs of artisans and are carved on tombstones and stone lions for decorative purposes. In addition to the tombstone, the creation of stone lions in Hefshejan is also one of the important events that have continued from the past to the present day. In the past, stone lions were produced with an abstract form and shape, standing and slender, very simple and easy. But today, regardless of the previous traditions, the artist creates all kinds of stone lions based on creativity and innovation in various forms, both standing and sitting, small and large, with calm, angry, or human-like faces, along with elements of war and hunting tools. In

addition, regardless of the practical aspects of stone lions, today, the artist carves and produces purely decorative lions in small formats and volumes that this approach, while creating entrepreneurship and transformation in the use of this symbolic stone element, helps the economic aspect of such works of art.


keyword: Hafshejan, Art, Sculpture, Stone lion, Tombstone





هَفْشِجان: کانون هنر حجاری ایران

بازخوانی و معرفی آثار حجاری (سنگ مزارها و شیرهای سنگی)

محمد افروغ*  دانشیار فرس دانشگاه اراک، اراک، ایران.

چکیده

هفشجان، یکی از مهم‌ترین کانون‌های تراش و تولید آثار سنگی (سنگ مزار و شیرهای سنگی و ابزار دیگر) است. هنرمندان حجار هفشجانی از گذشته تاکنون و نسل به نسل مشغول این حرفه بوده و امروزه یکی از کانون‌های فعال در تولید انواع آثار سنگی شامل انواع سنگ مزارها، شیرهای سنگی آیینی و تزئینی (دکوراتیو) و سایر احجام سنگی کاربردی و تزئینی، بشمار می‌آید. این مقاله، پژوهشی است میدانی که باهدف معرفی انواع آثار حجاری و سنگی هفشجان، بررسی، شناسایی و تحلیل جنبه‌های زیباشناختی و آگاهی از چیستی و چرایی شکل‌گیری نقش و نگاره‌های نقش‌برداری شده بر بدنه آن‌ها، به نگارش درآمده است. سؤال اصلی پژوهش این است که: انواع فرم سنگ مزارها و شیرهای سنگی هفشجان، علت و اسباب شکل‌گیری آن‌ها و جنبه‌های زیباشناختی و آرایه‌های تزئینی این آثار کدام است و معانی و مضامین آن‌ها چیست؟ یافته‌های این پژوهش مبتنی بر بررسی‌های میدانی است که برخی از آن‌ها عبارت است از: آثار سنگی هفشجان در گذشته شامل سنگ مزارها و شیرهای سنگی بود، لیک امروزه علاوه بر تولید نوآورانه این، آثار کاربردی متنوع (انواع ظروف) و تزئینی (انواع شیرهای سنگی)، نیز تولید می‌شود. آفرینش شیرها در گذشته صرفاً جنبه یادبودی داشته و صرفاً دارای فرم انتزاعی به صورت ایستاده یا کمی به پشت خوابیده و دارای چهره‌ای آرام و خنثی و جثه‌ای کوچک و متوسط و اغلب همراه با تزئین بود. اما شیرهای امروزی به دو نوع قدیمی (انتزاعی) و جدید (با شکل طبیعی و به صورت محدود انتزاعی)، به صورت ایستاده یا نشسته، دارای چهره‌ای خشمگین و اغراق‌شده و اغلب بدون تزئین، تقسیم‌بندی می‌شود. تحقیق حاضر از نوع کیفی و بنیادین و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و میدانی است.

واژه‌های کلیدی: هفشجان، هنر، سنگ‌تراشی (حجاری)، شیر سنگی، سنگ مزار.

۱. مقدمه

سنگ تراشی یا هنر حجاری، یکی از دیرینه‌ترین هنرهای ایرانی است که از سرآغاز تاریخ و شکل‌گیری تمدن و رواج دولت‌شهرها در دوره باستان و تمدن‌های میان‌رودان و عیلام در فلات ایران، با ساخت‌وساز انواع تندیس‌های جانوری و سپس تندیس‌ها و نقش برجسته‌های تمدن هخامنشی، اشکانی و ساسانی، حضور و استمرار جدی خود را در پهنه فرهنگ و تمدن تثبیت نمود. این هنر بومی و دیرین سال بعد از اسلام، از دوره صفوی در تراش و تولید سنگ مزارها و شیرهای سنگی، نمودی برجسته یافت و جلوه آن را می‌توان در مزارستان‌های مناطق مختلف همچون اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، شیراز و لرستان، مشاهده نمود. مسلمانان بر مبنای باورها و جهان‌بینی دینی و اسلامی، ضمن اعتقاد باورمند به پدیده مرگ و رحیل به جهان باقی، تکریم و گرامیداشت یاد و خاطره فرد متوفی را به واسطه احساس تعلق خاطر و فطرت فردی، امری واجب می‌شمارد. از این رو سعی می‌کند به زینده‌ترین وجه ممکن با تشریفات متعارف و اجرای آیین‌های مرسوم به ویژه نصب سنگ یادبود همراه با مشخصات و خصلت‌های متوفی، یاد و نام او را زنده نگاه دارد. سنگ مزار به عنوان جلوه‌ای از هنر اسلامی، در واقع شناسنامه فرد متوفی و هم‌چنین یادبودی است که فضای آن را در قالب کتیبه‌ها، خط‌نگاره‌های ادبی، دینی، حماسی و تصاویر انتزاعی و نمادین (در شأن و وصف جایگاه اجتماعی ایشان)، آراسته می‌کنند.

فرآیند یادشده جزئی از سنت برجسته و یادبودهای دیرین مسلمانان و خاصه ایرانیان است. این سنت به همراه استوار کردن شیر سنگی بر سنگ مزار، از آیین‌های تکریم متوفی در میان قوم بختیاری است. شیر سنگی عنصری نمادین بر مزار مردان دلیر و صاحب نامی است که دارای منزلت اجتماعی و جایگاه قهرمانی، است. مقاله حاضر یک تحقیق میدانی است که با هدف معرفی سنگ مزارها و شیرهای سنگی منطقه هفشجان به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های حجاری و سنگ‌تراشی ایران در قالب مطالعه، بررسی، تحلیل و توصیف انجام گرفته است. از این رهگذر، در فرآیند مطالعه و پژوهش، نخست بُعد فن‌شناختی (جنس و ابزار) و سپس جنبه‌های زیباشناختی (طرح و نقش) و فرآیند تراش و آفرینش آثار، تحلیل و معرفی خواهد شد.

پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که: انواع فرم سنگ مزار و شیرهای سنگی، علت و اسباب شکل‌گیری آن‌ها چیست؟ عناصر و آرایه‌های تزئینی و زیباشناختی این آثار کدام است و به چند طبقه تقسیم و معانی و مضامین نمادین آن‌ها چیست؟. اهمیت و ضرورت موضوع حاضر از آن روست که سنگ مزارها و شیرهای سنگی به همراه آرایه‌های تزئینی، ضمن داشتن ابعاد تاریخی، یادبودی و زیباشناختی، بخشی از هویت فرهنگی ملی و میراث قومی است که دارای جایگاه موزه‌ای است و باید علاوه بر صیانت فیزیکی برای ارائه به مخاطبان و نسل‌های آینده، در قالب مستند نگاری و پژوهش نیز معرفی گردند. ضمن این که مطالعه، درک و آگاهی از نقش و نگاره‌های سنگ مزارهای هفشجان، مسیر نیل به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و بینش بومیان منطقه را هموار می‌سازد. این پژوهش از نوع کیفی و توسعه‌ای است و بُعد میدانی و بدیع بودن موضوع، ویژگی برجسته آن است که به نگارش درآمده است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها توأمان میدانی و کتابخانه‌ای است.

۲. پیشینه پژوهش

از جمله زمینه‌های مهجور در تحقیقات هنرهای بومی و کاربردی، هنر حجاری و سنگ‌تراشی است. متأسفانه آن گونه که بایسته است، این هنر و تولیدات متنوع آن معرفی و مورد کنکاش و تحلیل قرار نگرفته است. لیک در این مسیر و طی سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در خصوص موضوع سنگ مزارها (در تخت پولاد اصفهان و دارالسلام شیراز)، صورت گرفت. در اینجا پژوهش‌هایی که در این زمینه و پیش از این صورت گرفته است (کتاب و مقاله)، ذکر می‌شود.

در کتاب جامع "شیر سنگی" (قنبری عدیوی^۱، ۱۳۹۳)، که تنها کتاب در این زمینه است، نویسنده به تفصیل به شرح و توصیف ابعاد مختلف شیر سنگی و پراکندگی آن در

۱- دکتر عباس قنبری عدیوی، یکی از محققان صاحب‌نام و برجسته در حوزه فرهنگ و ادبیات بختیاری است که دارای تألیفات ارزشمندی درباره ابعاد زندگی بختیاری و به‌طور خاص فرهنگ عامه، هنر و ادبیات این قوم است. کتاب شیر سنگی تألیف ایشان، یکی از برجسته‌ترین منابع در ارتباط با شیر سنگی است.

جغرافیای وسیع بختیاری پرداخته است. ضمن این که در بخشی از کتاب درباره هفشجان و شیرهای سنگی موجود در این منطقه نیز داده‌های ارزشمندی را بیان داشته است.

مقاله "درآمدی بر نحوه شکل‌گیری نقوش در سنگ گورهای منطقه سفیدچاه" (اعظم زاده و پورمند، ۱۳۸۸)، که در آن نویسندگان روند بررسی نحوه اندیشه عوام و مطالعه نمونه‌های متعدد نقوش بر سنگ گورها، دیدگاه نقاشان عامه و کنکاش ناخودآگاه آنان نسبت به محیط‌زیست را مورد توجه و بررسی قرار دادند و این نتیجه حاصل گشت که به نظر می‌رسد شکل‌گیری انواع نقوش، متکی بر نیازها و طلب نعمت‌های دنیوی و آخروی بوده است. چه این که آنان از تجارب گذشتگان و اساطیر ایرانی و مراسم آیینی اقوام ایرانی بهره‌مند شده و ذهنیت خود را با برخی مفاهیم مانند آفرینش، نظام کیهانی و تسبیح خداوند و طلب روزی از او پیوند زده‌اند.

مقاله "مطالعه و گونه‌شناسی قبور کلان سنگی و تپه‌ای (کورگان) استان اردبیل" (یاری‌احمدی و حصاری، ۱۳۹۱) که در آن نویسندگان به مطالعه و بررسی انواع گونه‌های سنگ مزارهای اردبیل پرداخته‌اند.

هم‌چنین در مقاله "نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)" (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳)، نویسندگان به صورت میدانی و با مطالعه صد و پنجاه نمونه شاخص از سنگ مزارهای مزارستان تخت فولاد، سعی در شناسایی تزئینات، طبقه‌بندی گونه‌های نقوش در قالب اشکال گیاهی، انسانی، حیوانی و هم‌چنین اشیاء داشته‌اند.

مقاله "بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی بختیاری" (قنبری، ۱۳۹۸) که در آن نویسنده ضمن معرفی این اثر هنری و جایگاه نمادین آن در جامعه قومی و ایلی بختیاری و نیز ذکر کارکردهای مادی و معنوی آن، به تبیین ویژگی‌های این پیکره در دانش بومی و فرهنگ عامه بختیاری پردازد.

مقاله "تحلیل نمادشناسی نقوش سنگ مزارات اسلامی موزه شهر اهر" (کاظم‌پور و همکاران، ۱۳۹۹)، که در آن نقوش (نقش‌مایه‌های کتیبه‌ای، ابزارآلات جنگی و صحنه‌های

روایی) سنگ مزارهای موزه اهر با رویکرد نمادشناسی مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در مقاله "تأثیر باستان‌گرایی و ملی‌گرایی بر نگاره‌های سنگ قبور دوره قاجار گورستان دارالسلام شیراز" (رضالو و همکاران، ۱۳۹۹)، نویسندگان در این پژوهش به بررسی و تحلیل نقوش سنگ قبور دوره قاجار گورستان دارالسلام شیراز، نقوش و مضامین نمادین و نیز علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها همچون باورهای اسطوره‌ای و مذهبی، پرداخته‌اند و به این نتیجه رهنمون شدند که با توجه به غالب شدن تفکر ملی‌گرایی در دوره قاجار، تصاویر این سنگ مزارها، به گونه‌ای تداوم نقش‌مایه‌های دوران ساسانی و هخامنشی را نشان می‌دهند که با فرم و محتوایی نسبتاً متفاوت ایجاد شده است.

در مقاله "تحلیل، تاریخ‌گذاری و معناشناسی سنگ قبور نوع گهواره‌ای بوکان" (معروفی اقدم و حاجی‌زاده، ۱۳۹۹)، نویسندگان بر اساس مطالعات میدانی، به دنبال معرفی و تحلیل سنگ قبرهای نوع گهواره‌ای بوکان و تطبیق آن با نمونه‌های دیگر موجود در سایر گورستان‌های ایران و در نهایت تاریخ‌گذاری آن‌ها بوده‌اند. نویسنده در مقاله پیش‌رو، بر آن است تا ضمن مطالعه و کندوکاو میدانی در تولیدات سنگی هفشجان، به شناسایی و طبقه‌بندی انواع سنگ مزارها، شیرهای سنگی و انواع نقش و نگاره‌های نقش‌پردازی شده و معانی و مفاهیم نمادین آن‌ها پردازد.

۳. مزارستان: ابزاری برای شناخت نگرش، باور، فرهنگ و جهان‌بینی جوامع

مزارستان یا آرامستان، به عنوان مکان دفن فرد متوفی یکی از جلوه‌های توجه به باورهای دینی و جهان‌بینی مسلمانان، در ارتباط با جهان اخروی است. با ورود دین اسلام و تثبیت مذهب تشیع، تدفین، به خاک سپاری و نگاه‌داشت یاد و خاطره فرد متوفی تبدیل به مناسکی شد که بیش از پیش اهمیت یافت. مزارستان‌های «قدیمی ایران، بیش از آن که مکانی برای تدفین مردگان باشند، بخش مهمی از اندیشه و زندگی زندگان را خود مربوط می‌سازند. آثار برجامانده از سنگ گورها نشان می‌دهد که اقوام ایرانی چه تفکر و آیینی

داشته‌اند و نسبت به واژه‌ها و مفاهیمی نظیر خوش‌بختی، مرگ و آفرینش چه دیدگاه و نظراتی پیش رو نهاده‌اند» (اعظم‌زاده و پورمند، ۱۳۸۸: ۹۶).

در واقع «شکل و شمایل کلی مزارگاه‌ها و نمای سنگ مزارها در هر عصر و زمانه‌ای یکی از نمادهای عینی باورهای فرهنگی مردمان آن عصر و زمانه است» (قوکاسیان، ۱۳۹۲: ۱۵) و از این رهگذر، «یکی از ابزارهای شناخت جوامع انسانی در اعصار مختلف، بررسی همین آثار و بناهای به‌جامانده از آن دوره‌هاست. آثار و بناهایی که هم‌سو و هماهنگ با شیوه زیست آدمیان در زمان‌های خاص ساخته شده است. سنگ مزارها در هر دوره‌ای مبین نوع باورهای آدم‌های آن دوره نسبت به مرگ است» (پیشین).

۴. سنگ مزار: عنصری هویتی و رسانه‌ای جهت شناسایی و یادبود متوفی

اگرچه هیچ نشان و مدرکی از چگونگی آغاز کار گذاشتن سنگ بر قبر در دست نیست، اما صراحت فقه شیعه در چگونگی تدفین و گذاشتن نشانه (سنگ) بر قبر پس از چهل روز، می‌تواند سرآغاز این سنت به حساب آید» (تناولی، ۱۳۸۸: ۷). سنگ مزارها نوعی رسانه ارتباطی محسوب می‌شوند. توجه به سنگ مزار نتیجه و نشان از جایگاه احترام به متوفی و تکریم اوست. این نگرش نیز منتج از دیدگاهی است که مردم نسبت به پدیده مرگ و جهان پس از آن دارند. به‌طور کلی می‌توان گفت سنگ مزار، پدیده‌ای است که در مقابل برخی مؤلفه‌ها نظیر هویت فردی، روابط اجتماعی، ذهن اسطوره‌شناسی، نظام مفهومی، قومیت و دین، به وجود آمده است و به‌نوعی هنگامی که حیات شخص به انتها می‌رسد، جوهره وجود او را با یادمانی که بر مزار او قرار می‌دهند، مشخص می‌کنند. به‌واقع یک بنای یادبود برای درگذشتگان همچون سنگ مزار، نوعی پیوستگی در زمان ایجاد می‌کند که خود تجلی جاودانگی و ماندگاری بشمار می‌رود.

۵. شیر سنگی^۱: عنصری نمادین جهت یادبود و بزرگداشت

سنگ مزار در میان مسلمانان امری مرسوم و بخشی از آیین مرتبط با مراسم تدفین و زنده نگه‌داشتن یاد متوفی است. اما در میان قوم بختیاری و برای افرادی خاص که در ایل دارای جایگاه اجتماعی بوده و در عرصه‌های مختلف برخوردار از صفات برجسته (همچون پهلوانی، شجاعت، رهبریت تبار و طایفه) بوده‌اند، علاوه بر سنگ مزار، از شیر سنگی به عنوان نماد دلیری و صفات عالی نیز استفاده می‌گردد. «در زبان و گویش بختیاری، "بردشیر"، "شیرسنگی" یا "شیربردی"، تندیسی است از ریخت "شیر"، که از سنگ ساخته شده و روی مزار برخی از مردان قرار می‌گیرد. این پیکره در فرهنگ مادی (ملموس) و غیرمادی (ناملموس یا معنوی) در گستره قوم بختیاری ایران، جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۸: ۳). شیر سنگی، نماد یادبود و بخشی از هویت قومی بختیاری بشمار می‌رود که از گذشته‌های دور با استقرار بر مزار بزرگان و پهلوانان، جایگاه نمادین و هویتی خود را حفظ کرده است.

شیر «نماد آفرینش برین، آسمان و جهان مینوی است. آن گاه که خورشید در برج شیر (اسد یا شیراختر) جای می‌گیرد؛ برابر با آمدادگاه است و در بیش‌ترین توان و پرتوافشانی است و جهان روشن‌ترین و گرم‌ترین روزگاران را می‌گذرانند» (پیشین، ۱۱). شیر در نمادشناسی ایرانی، «مظهر میترا، خورشید، گرما، تابستان، شجاعت، سلطنت، قدرت، نور و آتش، است. شیر در بسیاری از نقوش ایران، به عنوان نیروی شر شکار می‌شود. به عبارت دیگر پادشاهان نبرد با شیر را نماد قدرت و غلبه بر شر می‌دانستند» (جانبز، ۱۳۷۰: ۶۱) و در برخی نظرگاه‌ها «نگهبان نمادین پرستشگاه‌ها، قصرها و آرامگاه‌ها بودند و تصور می‌رفت درنده‌خویی آن‌ها موجب دور کردن تأثیرات زیان‌آور می‌شد (هال، ۱۳۸۰: ۶۱).

۱- برد شیر یا شیر بردی: واژهٔ برد (Bard) در گویش بختیاری یعنی سنگ.

جدول ۱: ویژگی‌های فرمی و ریختی شیرهای قدیمی و جدید (منبع: پژوهش‌گر، ۱۳۹۵)			
شیرهای امروزی		شیرهای قدیمی	
بربرگ و حجیم	طبیعی، انتزاعی، پهن، چاق و فربه	کوچک یا متوسط	انتزاعی، باریک و لاغرندام
چهره‌های خشمگین و درنده‌خو	نشسته و استاده	چهره‌های آرام، ملایم و خنثی	ایستاده (راست قامت)، نیم‌خیز پشت خوابیده، (حالت حمله‌بر)
دارای پنجه	یال و کویال دار	بدون پنجه	بدون یال و کویال
دهان باز (در حال خشم، غرّش و درنده‌خویی)	دست و پاها از هم باز و نسبتاً بزرگ	دهان بسته یا کمی باز برای نشان دادن حالت طبیعی فرم دهان	دست و پاها بهم چسبیده و کوتاه
بدن بزرگ	غیر عادی و اغراق‌گونه	بدن عادی و کوچک	فاصله گردن تا بدن بسیار کم
بدن ضخیم و فربه	دم بلند	بدن ظریف‌تر و لاغرتر	دوم کوتاه، برخی فاقد دم
بدن شیرهای امروزی فاقد تزئین یا تزئینات محدود.		بدن شیرهای قدیمی دارای انواع تزئینات.	
رنگ سنگ‌ها خاکستری متمایل به آبی است.		رنگ سنگ‌ها سفید، نخودی و خاکی است.	
ساده و بدون تزئینات یا تزئین کم (تفنگ و شمشیر)		ساده یا با تزئین (تفنگ، طداچه، شمشیر، خنجر، گرز)	
برخی شیرها با نقوش حجاری شده بر بدن آن‌ها رنگ‌پردازی شده است		شیرها با نقوش حجاری شده بر بدن آن‌ها فاقد رنگ‌پردازی است	
دست‌ها و پاها کوتاه و یکسان است		دست‌ها در بخش اعظمی از شیرها کوتاه‌تر از پاهاست	
دست‌ها و پاها به صورت صاف است		دست‌ها در برخی شیرها به سمت جلو کشیده شده است	
کتیبه‌ها با خط نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق نگارش شده است		کتیبه‌ها با خط نسخ نگارش شده است	

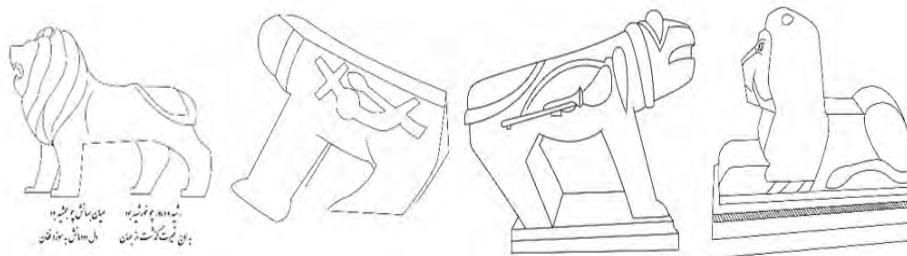
به‌طور کلی شیرهای سنگی از منظر فرم و حالت، به دو دسته قدیمی (سنتی) و جدید، تقسیم می‌گردد که هر کدام دارای ویژگی‌های فرمی مختص به خویش است. در تصاویر ۱ و ۲، نمونه‌هایی از شیرهای قدیمی و جدید دیده می‌شود. هم‌چنین در عکس ۳، طبقه‌بندی اوآن شیرها از منظر ریخت و شکل ظاهری نشانه داده شده. در جدول ۱، نیز ویژگی‌ها و مختصات ظاهری شیرهای قدیمی و امروزی، دیده می‌شود. بسیاری از شیرهای سنگی در مزارستان‌های جغرافیای بختیاری (استان چهارمحال و بختیاری، خوزستان و اصفهان)، ساخت هنرمندان خلاق هفشجان است که یکی از کانون‌های مهم تولید آثار سنگی و به‌طور خاص، شیر سنگی است.



عکس ۱- شیرهای سنگی قدیم و امروزی در جغرافیای بختیاری منبع:

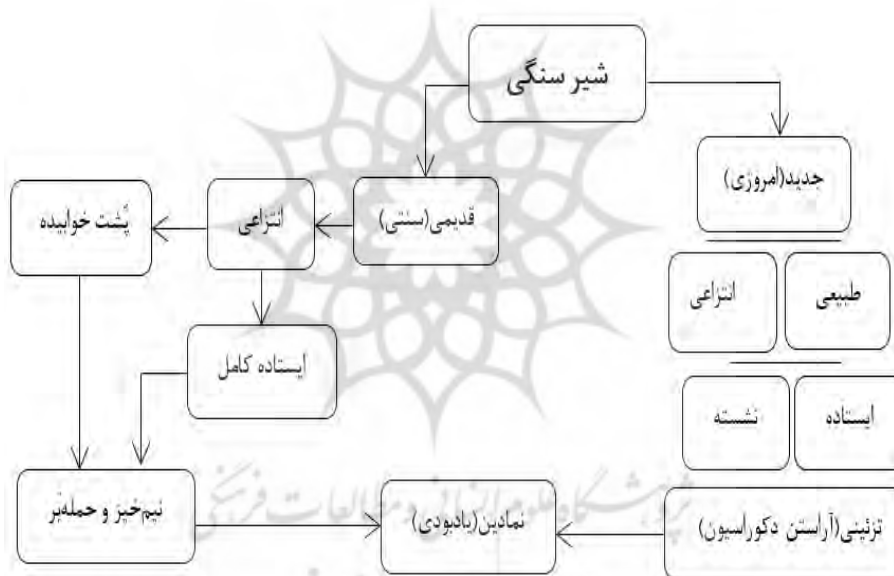
پژوهش‌گر ۱۳۹۵

[/www.izeh1.blogfa.com](http://www.izeh1.blogfa.com) / www.bistoonizeh.loxblog.com
cdn-tehran.wisgoon.com



عکس ۲- نمونه‌های خطی و گرافیکی از موقعیت‌های شیرهای سنگی

بختیاری انتزاعی و طبیعی (منبع: پژوهش گر، ۱۳۹۵)



عکس ۳- طبقه‌بندی شیر سنگی از منظر شکل (ریخت) (منبع: پژوهش گر، ۱۳۹۵)

۶. جایگاه نمادین نقش‌ها و انواع آن در سنگ مزارها

نقوش در هنر، تنها جنبه تزئینی ندارند، بلکه نماینده مضامین و مفاهیم فرهنگی هستند که هنر را به عنوان زبان خود برگزیده است تا از طریق نمادها، آموزه‌های فرهنگی، هنری

و تمدنی خود را گسترش دهد. نقوش نمادین در آثار هنری اغلب بر مسائل آرمانی و اعتقادی مردم تکیه دارد و سنگ مزارها محملی برای بازتاب نقوش و معانی نهفته در آن‌هاست. تداوم نقش و نگاره‌ها از راه نمادگرایی همواره در طول دوره‌های مختلف تاریخی از مشخصات عمده و همیشگی هنر ایران بوده است. «نماد و نمادپردازی در هنر در واقع تفکر از طریق تصویر است» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۳۸).

«انسان به شیوه نمادپردازی در طول دوره‌های مختلف تاریخی بهتر توانسته است مفاهیمی را نمودار سازد که به گونه‌ای دیگر قابل بیان و توصیف نبوده‌اند و چون پدیده‌های متعددی از جمله مرگ در ورای فهم انسان وجود دارد پیوسته از نماد بهره برده است تا این مسئله را به شیوه خود تعریف نماید. سنگ مزارها به دلیل ارتباط خاصی که با انسان دارند بستر مناسبی برای نمایش افکار او و تصاویر نمادین مربوط به آن‌ها هستند» (پویان و خلیلی، ۱۳۸۹: ۹۸). نمادپردازی عروج، همواره به گسستن از وضعیتی ایستا اشاره دارد. گسستن از سطحی که امکان گذر از یک شیوه دیگر را فراهم می‌کند. نمادپردازی و «تزئین سنگ مزارهای هر قوم و ملتی نشأت گرفته از باورهای مذهبی آن‌ها و حرمتی است که برای این منزل آخر قائل هستند» (قوکاسیان، ۱۳۹۲: ۱۵).

بدنه سنگ مزارهای گذشته با عناصر و نقش‌مایه‌های متنوع و مرتبط با جایگاه اجتماعی، سن، جنس (زن یا مرد) و بر مبنای عقاید و باورها، اساطیر، مضامین دینی و آیین‌های فرهنگی و هویتی موجود و رایج در هر قوم و نژاد، نقش‌پردازی می‌شوند. در جدول، سعی گشته است تا نمونه‌هایی از نقوش حجاری شده بر سنگ مزارهای مناطق مختلف ایران، نشان داده شود. به‌طور کلی نقوش در سنگ مزارها به هشت طبقه شامل نقوش مربوط به ابزارها، جانوری (حیوانی و پرندگان)، گیاهی، نقوش انسانی، ابزار و وسایل زندگی، خط‌نگاره‌ها، معماری و آیین‌های خاص، ترسیم می‌شوند. هر کدام از این طبقات نیز خود به انواع نقوش متنوع تقسیم می‌گردد (جدول ۲). برای این مجموعه نمونه‌های تصویری در عکس ۴، نشان داده شده. اغلب نقوش حجاری و کنده‌کاری شده بر سنگ مزارها، جنبه نمادین دارد. لیک برخی از آن‌ها به صورت محدود جنبه تزئینی و

هفشیجان: کانون هنر حجاری ایران، بازخوانی و ... ، افروغ | ۱۶۷

برخی نیز به دلایلی که بر انسان امروزی پوشیده است، نقش پردازای گشته است. برای نمونه نقوشی همچون آبریز (آفتابه) یا نقوش پذیرایی همچون قوری و استکان، مشخص نیست به چه دلایلی تصویر پردازای گشته.

همه نقوش نمادین یادشده (به جز نقش پرنده به عنوان نماد روح انسانی که تقریباً بر همه سنگ مزارهای قدیمی مزارستان‌های ایران، حجاری شده است)، ممکن است بر سنگ مزارهای اقوام و مناطق مختلف وجود نداشته باشد، لیک بخش اعظمی از این نقوش حضوری پُر رنگ داشته است. «اغلب گورهای زنان و مردان بختیاری، با نقش‌ها و تصویرهای مختلف و نمادینی متناسب با جنس، سن، تحصیلات و غیره تزئین می‌شوند. این نقش‌ها بیش‌تر شامل گل و گلدان و درخت، شانه، گلاب‌پاش، قندان، پرنده، خورشید، تیر و کمان، شمشیر، نیزه، خنجر، اسب و سوارکار، شیر، عقاب، مَهر و تسبیح، سجاده، زیارتگاه، کتاب (قرآن)، تفنگ و تپانچه، بیرق، ذوالفقار مولا علی (ع)، نیم‌تنه یا شکل کامل مرد، سر و صورت زن، نقش کعبه، گنبد سبز پیامبر (ص)» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۶۳).

جدول ۴: طبقه‌بندی نقوش و انواع زیرمجموعه آن‌ها (منبع: پژوهش‌گر، ۱۳۹۵)	
انواع نقوش	طبقه نقوش
پازن (بزکوهی)، اسب، شیر، گاو، شتر، ماهی، انواع پرندگان شامل طاووس، پرستو، کبوتر، عقاب، شاهین،	جانوری
انواع فرم درخت (درخت زندگی، درخت مقدس) سرو، گل و بوته، گلدان، گل‌های چهارپر، لسیمی	گیاهی
مرد، زن، کودک (بسر و دختر)، نمازگزار، اسب‌سوار (شکارچی)	انسانی
ابزار شکار و نبرد سلاح گرم شامل تپانچه، تفنگ، فشنگ و قطار، سلاح سرد شامل شمشیر، سرنیزه خنجر،	ابزار و وسایل زندگی
دار قالی، دفتین، قیچی، کارد (چاقو)، شانه پرداخت،	
شانه، آینه، سنجاق، انگشتر	
میل باستانی	
قوری، استکان، اره و چکش، آبریز (آفتابه)، گلدان، پارچ	
سجاده نماز، مهرنماز، تسبیح	
کتاب (قرآن)، کتیبه شامل آیات قرآن، اشعار ادبی، تاریخ تولد و وفات	
بنای کعبه، مسجد (پیامبر (ص) و گنبد سبز مدینه)، گل دسته، زیارتگاه، بقعه	معماری
مراسم‌های راهی را - شیون (مویه کردم) - بر بدن یا مزار متوفی (مرد نامدار و مشهور)، رقص دسته جمعی	آیین‌های خاص
خورشید، ستاره، گهواره نوزاد، قفل فلزی، قلبان،	متفرقه



عکس ۴- برخی از نقوش حجاری گشته بر سنگ مزارها

(منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵ / www.shiraze.ir/fa/news/1395)

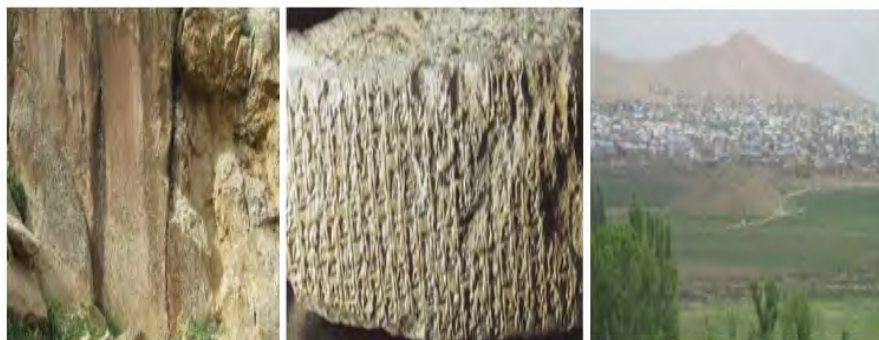
(www.paymanonline.com/www.tasnimnews.com/www.lorestan.new)

۷. موقعیت جغرافیایی و جایگاه تاریخی هفشيجان

هفشيجان^۱، زادگاه شیران سنگی، یکی از شهرهای باستانی ایران واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی بخش مرکزی شهرکرد در دامنه رشته کوه جهان بین، از توابع استان چهارمحال و بختیاری است. پیشینه این شهر به دوره نوسنگی می‌رسد. آلن زاگارل در ارتباط با پیشینه و دیرینگی هفشيجان معتقد است «وجود تپه هفت هزارساله اسکندری مربوط به دوران نوسنگی، میلیون‌ها قطعه آثار سفالین و ابزارهای سنگی ابتدایی همچون اُسیدین و فلینت و نیز ده‌ها سکونت گاه‌ها باستانی، همگی از پیشینه نه‌هزارساله هفشيجان خبر می‌دهد» (زاگارل، ۱۳۸۷: ۲۰۲). هم‌چنین از دیگر نشانه‌هایی مؤید بر قدمت هفشيجان، کشف آجرنگاره مربوط به اینشوشیناک حاکم عیلامی است که از دل تپه اسکندری بیرون آمد و نیز کتیبه گرنوشته با قدمت شش هزار سال به عنوان کهن‌ترین کتیبه استان چهارمحال و بختیاری (عکس ۵)، می‌باشد. "هفشيجان کهن به نام پارسی هوشنگان یعنی مکان هوشنگ پادشاه پیشدادی و کاشف آتش و محل اجرای جشن سده شهرت دارد. هوشنگان بعدها به هوشگان که مخفف آن است تبدیل و در دوره اسلامی بر اثر تأثیر زبان عربی به هفشيجان یا هفشه‌جان معرب شده است"^۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Hafshejan
2. www.fa.wikipedia.org.



عکس ۵- تپه اسکندری، کتیبه عیلامی میانه متعلق به هوته لوتش اینشوشیناک

مکشوفه از این تپه، کتیبه گرنوشته

(منبع: www.Fa.wikipedia.org / www.Upload.wikimedia.org)

هفشجان دارای آثار ملی متنوعی است که از آن جمله می‌توان به تپه اسکندری مربوط به دوره نوسنگی تا عیلامی، تپه شهر کهنه، کتیبه گرنوشته، مزارستان بُزُرل مربوط به دوره صفوی، مزارستان آرامنه سیرک، مسجد خلجاء، چغات ترابی و هوشنگی، اشاره داشت. سخت‌کوشی و مهارت توأم با ذوق و سلیقه در حرفه حجاری که آمیزه‌ای از هنر خوش‌نویسی، شعر، نقاشی و احساس است سنگ سخت را نیز در دستان گرم مردان هنرمند، خوش‌ذوق و با اراده این خطه چون مومی نرم درآورده است و سالیان دور تاکنون جلوه‌های بدیع از هنر سنگ‌تراشی پدید آورده است این ویژگی‌ها و روحیات تحسین‌برانگیز منحصر به امروز نیست و کهن سالان و ریش‌سفیدان نقاط مختلف استان از اراده آهنین و تخصص و کاردانی، دیانت، صداقت و صفای باطنی مردم هفشجان خاطرات فراوانی دارند. کار چارواداری که از مشاغل سخت و پرخطر آن زمان بوده است و کار تجارت و تأمین مایحتاج مردم در آن زمان از این طریق حاصل می‌شد. سنگ‌تراشان از قدیم با تراش سنگ‌های کوه، بعضی از ابزار و اشیاء و اسباب خانه و تندیس و وسایل آئینی و زینتی را می‌ساختند.

۸. هفشيجان: یکی از کانون هنر حجاری ایران و آفرینش شیرهای سنگی

با توجه به آثار و بقایای سنگی موجود در هفشيجان، می‌توان گفت که حرفه سنگ‌تراشی و حجاری، یکی از قدیم‌ترین حرفه‌ها و هنرهای صناعی و سنتی این منطقه، بشمار می‌رود. تولید آثار سنگی همچون سنگ مزار، شیر سنگی، کتیبه سنگی پیرغار (کتیبه مشروطه- از زبان سردار اسعد و سردار ظفر بختیاری^۱) (عکس ۶)، آسیاب‌های سنگی بزرگ و خانگی (دستی)، ظروف (نظیر هاونگ) و درب‌های سنگی، وسایلی نظیر ناودان و آدرچی، نقش‌پردازی و سنگ‌پردازی انواع نقوش همچون نقوش گیاهی (گلدانی) و انسانی در بناها و قلعه‌های خوانین بختیاری در استان همچون قلعه چالشر^۲ همچون ستون و سرستون، ازارها، حوض‌ها، محصول مهارت هنرمندان هفشيجان بوده است. علاوه بر این ایجاد کارگاه‌های روغن‌کشی (عصارخانه) و سایر حرفه‌های متنوع، نشان از استادی مردمان این دیار است. ذکر این نکته نیز ضروری است که هفشيجان را پایتخت صنعت جوش کشور لقب داده‌اند.

هنر سنگ‌تراشی یا حجاری، یکی از دیرینه‌ترین هنرهای صناعی در تمدن ایرانی-اسلامی است. «سنگ‌تراشی»، یکی از هنرهای کاربردی است که سابقه‌ای چند هزارساله در

۱- کتیبه‌های پیرغار بر روی قسمتی از کوهپایه رشته کوه زاگرس، روی تخته‌سنگی، سه سنگ نبشته به زبان فارسی کنده کاری شده. این کتیبه‌ها که واقع در تفریحگاه پیرغار هستند، مربوط به دوره قاجاریه و عصر مظفری‌اند. کتیبه در چهار قسمت مجزا به سینه صخره‌ها و به ترتیب زمان وقایع از راست به چپ حجاری شده‌اند. کتیبه سوم تقریباً در حد فاصل و زیر دو کتیبه ابتدایی قرار گرفته که خود شامل دو بخش مجزا است. نوع خط کتیبه‌ها نستعلیق که گاه با شکسته آمیخته شده. کتیبه‌ها در سال ۱۳۷۷ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شدند. محتوای کتیبه‌ها سه کتیبه‌ای که در منطقه پیرغار وجود دارند، از زبان دو تن از شخصیت‌ها و رهبران تأثیرگذار در جنبش مشروطه‌خواهی یعنی سردار اسعد و سردار ظفر نوشته شده‌اند. این سنگ‌نوشته علاوه بر شرح وقایع مربوط به فتح اصفهان و تهران و همراهی مجاهدان چهارمحل و بختیاری با نهضت مشروطه، جریان‌های فکری سیاسی و اجتماعی حاکم بر جنوب غربی ایران مقارن با اعاده مشروطه سقوط استبداد صغیر را نیز نشان می‌دهد و مشروطه‌خواهی بختیاری‌ها را نیز به تصویر می‌کشد. هم‌چنین در کتیبه اشاره به جنگ با سالار الدوله و شکست دادن وی توسط بختیاری‌ها نیز شده. در بخش پایانی کتیبه به روی کار آمدن احمدشاه و نایب بودن عضدالملک و رییس الوزرای صمصام‌السلطنه نیز اشاره شده است. کتیبه با شرح حال کوتاهی از حکومت سردار ظفر بر شهرهای مختلف ایران به ویژه کرمان پایان می‌یابد.

ایران دارد و در هر دوره، متأثر از دیگر هنرهای رایج و جاری زمانه بوده و به‌طور حتم بر دیگر هنرها نیز اثرگذار بوده است» (صادقی، ۱۳۹۲: ۲۱). ضمن این که هنرهای نظیر شعر، خوشنویسی، تذهیب و طراحی سنتی در شکل‌گیری هویت و جنبه‌های زیباشناختی نیز این هنر دیرینه، نقش بسزایی داشته‌اند. هنرمند حجار در فرآیند حجاری و تراش سنگ مزار، هم بر ابزار هنر و صنعت خویش مسلط بوده و هم مفهوم و معنا را می‌شناخت و بکار می‌گرفت. به گونه‌ای که ارائه‌دهنده زیبایی‌شناسی مفهومی و شکلی است. هفشجان از گذشته‌های دور سابقه‌ای دیرینه در هنر حجاری و سنگ‌تراشی، تولید انواع وسایل و احجام سنگی و به‌طور خاص سنگ مزار و شیر سنگی، داشته است.

زمان ظهور دقیق هنر سنگ‌تراشی و تولید سنگ مزار در هفشجان به‌طور دقیق مشخص نیست و نظرات متفاوتی در این باره ذکر می‌شود. برخی سابقه حجاری و سنگ‌تراشی و خاصه شیر سنگی را به دوران صفوی (بر مبنای گفته‌های برخی افراد بومی مبنی بر وجود برخی شیرهای سنگی در چهارمحال و بختیاری نظیر شیر سنگی چشمه دیمه که اکنون از بین رفته است) و برخی افراد همچون استاد حشمت باقری از هنرمندان حجار هفشجان، ظهور این حرفه و سابقه شیر تراشی در این منطقه را از دوران قاجار می‌دانند. چه این که کورش خورشیدی رئیس شورای وقت شورای شهر هفشجان، قدمت و سابقه‌ای هفتصد ساله برای هنر سنگ‌تراشی و تولید شیر در هفشجان، قائل است.



عکس ۶- کتیبه پیرغار یا مشروطه، انواع نقوش و آثار حجاری در قلعه چالستر، کنده کاری شده توسط هنرمندان هفشيجان
(منبع: www.kojaro.com/attraction/ / پژوهش گر، ۱۳۹۵)

هنرمندان هفشيجانی در هنر حجاری و سنگ تراشی، دهه ها و يا قرن های متمادی به صورت مستمر و مداوم بر این هنر کهن سال از پی هم و نسل به نسل در گذر زمان، تیشه فرود آورده اند. این ادعا از تولیدات متنوع با کارکردهای مختلف در ابعاد و اندازه های گونه گون به خوبی مشهود است. بخش اعظمی از شیرهای سنگی که در قالب ها و شکل های مختلف در مزارستان های جغرافیای بختیاری (مرکز، جنوب و جنوب غرب ایران) به نگهبانی ایستاده اند، تولید هنرمندان هفشيجانی است. هم چنین سنگ مزارهایی که از منظر زیباشناختی و کنده کاری های هنری و تجسمی منحصر به فرد است (عکس ۷).

پرویز تناولی در ارتباط با شیرهای هفشيجان می نویسد: «در سال ۱۳۴۹ و در نخستین یادداشت هایم از هفشيجان، به بیش از ۳۰ شیر سنگی پابرجا و تعدادی شکسته اشاره داشتم که طول برخی از آنها در حدود ۲ متر بود. اما در آخرین بازدیدم در سال ۱۳۸۳، قبرستان هفشيجان را خالی از شیر یافتم. دلیل اصلی تعداد شیرهای هفشيجان را باید در معدن سنگی

که در جوار آن است، دانست. این معدن سنگ در کوه شاه منظر (بُزکُر) که مشرف بر هفشجان است، قرار گرفته و از دیرباز مورد بهره‌برداری سنگ‌تراشان هفشجانی جهت رفع نیاز سنگ مزارهای خود و دیگر شهرهای هم‌جوار بوده است» (تناولی، ۱۳۸۸: ۳۹).



عکس ۷- نمونه‌ای از سنگ مزارهای نقش‌پردازی

شده توسط هنرمندان حجار هفشجان

(منبع: www.upload.wikimedia.org)

نکته قابل توجه در ارتباط با هنرمندان حجار و پیکر تراش در هفشجان این است که همگی در یک محل و در یک خیابان متمرکز هستند (عکس ۸). هنرمندان سنگ‌تراش از خاندان باقری و از یک قبیله (علی، حشمت، اصغر، قنبرعلی) هستند. در عکس ۸، استاد قنبرعلی و حشمت باقری، در کارگاه‌های خویش مشغول فعالیت هستند. هنرمندان باقری همگی افرادی باتجربه و ماهر بوده که از طفولیت در کنار پدران و در واقع اساتید خویش به کار سنگ‌تراشی مشغول بوده‌اند. در سنگ مزارهای ساخت هفشجان، علاوه بر عنصر مهارت، نوآوری هنرمند با آفرینش تندیس‌های متنوع در اشکال و فرم‌های منحصر به فرد و بدیع کاملاً مشهود است. برای مثال در عکس ۹، حجاری سردیس شیر به عنوان یک عنصر تزئین در چهار گوشه سنگ مزار، یک فرم نوآورانه و یک ره‌آورد خلاقانه در حرفه سنگ‌تراشی هفشجان بشمار می‌رود. (گفتگو با هنرمندان خاندان باقری، هفشجان، ۱۳۹۵).



عکس ۸- کارگاه‌های سنگ‌تراشی و شیر تراشی خاندان باقری هفشيجانی در جوار هم و مستقر در یک خیابان، (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)



عکس ۹- هنرمندان سنگتراش هفشيجانی، حشمت باقری در حال حجاری سنگ مزار و قنبرعلی باقری در حال تولید آثار سنگی (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵ www.dana.ir/news/1395)

۹. بُزگر: مزارستان تاریخی هفشجان و استان چهارمحال و بختیاری

مزارستان بزگر هفشجان، بر مبنای گفته‌های ساکنان بومی (همچون خاندان باقری- حجاران بنام هفشجان) و مهم‌تر کتیبه‌ها و تاریخ‌های حجاری شده بر بسیاری از سنگ مزارها، یکی از قدیمی‌ترین مزارستان‌های ایران و به‌طور خاص استان چهارمحال و بختیاری است که متأسفانه اطلاعات کافی و متقنی در ارتباط با ابعاد تاریخی این مزارستان وجود ندارد و از معرفی و پژوهش جامع و کامل تاریخی - باستان‌شناسی، غافل مانده است. این مزارستان در سال ۱۳۸۱ به ثبت ملی رسید. البته علاوه بر بزگر، مزارگاه مرغزار، مزار کوچک، بالافیلی و غیره نیز در این منطقه وجود داشته است که با گذشت زمان از بین رفته است. در این مزارستان، انبوهی از سنگ مزارهای قدیمی و تاریخی (بیش از هزار تخته‌سنگ از زمان صفوی و قاجار) با نقش و نگاره‌های نمادین و متنوع به چشم می‌خورد (عکس ۱۰). البته عنصر نمادینی همچون شیر سنگی که نمودی از هویت فرهنگی و هنری منطقه و استان است، نیز پدیدار است. اگرچه در گذشته تعداد شیرها، بنا بر توصیف تناولی، فراوان بوده، لیک امروزه تعدادشان انگشت‌شمار است.



عکس ۱۰- نمایی از مزارستان تاریخی بزلر در هفشيجان (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)



عکس ۱۱: شیرهای سنگی و قدیمی هفشيجان نصب در

ورودی پارک (منبع: www.ctmehr.com/news)

در این مزارستان، علاوه بر سنگ مزارها و شیرهای قدیمی (عکس ۱۱)، سنگ مزارها و شیرهای سنگی جدید با طرح و فرم خلاقانه (عکس ۱۲)، حضوری پررنگ یافته‌اند. شیرهای سنگی در جغرافیای بختیاری که بسیاری از آنها ساخته هنرمندان هفشيجانی است، از گذشته تا چند دهه گذشته، همگی ایستاده و دارای شمایی انتزاعی بودند، اما از دو دهه

گذشته بر مبنای نگرش خیال‌پردازانه، خلاقیت و نوآوری هنرمندان حجار هفشجان، اشکالی متنوع در فرم و حالت دیده می‌شود. نکته قابل توجه این است که در ساخت شیرها، هنرمند اگرچه چهره‌ای جدید از شیر به نمایش گذاشته، لیک به ماهیت انتزاعی چهره شیرها که از گذشته وجود داشته، تا حدودی وفادار مانده است. بسیاری از سنگ مزارها، حالت سادگی و فرم متعارف خود را از دست داده و به یک مجموعه با عناصر الحاقی تزئینی و نمادین تبدیل گشته.

برای مثال در عکس ۱۳، سنگ مزار از حالت ساده و تخت به سنگ مزار صندوقی تبدیل گشته و علاوه بر آن در یک طرف آن شیری طبیعی و واقع‌گرا با صورتی خشمگین و نشسته حجاری شده. برای نخستین بار هنرمند از ظرفیت‌های هنری و خلاقانه خویش مدد گرفته و با الگوبرداری از ریتون‌های هخامنشی، دو نمونه از این ریتون‌ها را در بخش پایین سنگ مزار، کنده کاری نموده که نگرشی نو و خلاقانه و بعضاً ساختار شکنانه، در طراحی و تولید سنگ مزار و شیر سنگی ایجاد نموده است. نکته قابل ذکر این است که به واسطه سنگ مزارهای موجود در مزارستان بزلر و کتیبه‌های کنده کاری شده بر آن‌ها، می‌توان به حضور مشاهیر فرهنگی و علمی و صنعت‌گران در منطقه هفشجان، پی برد.



عکس ۱۲- حضور شیرها و سنگ مزارهای جدید در مزارستان تاریخی بزلر در هفشيجان (منبع: پژوهش گر، ۱۳۹۵)



عکس ۱۳- سنگ مزارهای صندوقی به همراه شیر سنگی و ریتونهای تزئینی در مزارستان تاریخی بزلر در هفشيجان (منبع: پژوهشگر ۱۳۹۵)

۱۰. ابعاد فن‌شناختی هنر سنگ‌تراشی در هفشجان

این ابعاد شامل بخش فنی یعنی ابزارهای سنگ‌تراشی و فرآیند تولید آثار سنگی (سنگ مزار و شیر سنگی) است. در حرفه سنگ‌تراشی چه سنگ مزار و چه شیر سنگی، از ابزارهای گوناگونی بهره گرفته می‌شود که عبارت است از: ۱. ابزارهای استخراج سنگ قلّه از معدن یا ابزارهای جدا کردن، خرد کردن و انتقال قلّه سنگ از معدن که شامل اهرم، پُتک، کلنگ، چکش، گُوه (نعل و فارس). ۲. ابزارهای پیکر تراشی شامل کلنگ، شانهِ تیشه، فرز و مینی فرز، انگشتی (سنگ سنباده‌ای)، انواع الماس‌های سنگ، چکش، قلم دندان‌های و قلم حجاری. این ابزار در جدول ۳، مشاهده می‌شود.

جدول ۳: ابزارهای سنگ‌تراشی (سنگ مزار و شیر سنگی) در هفشجان (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)					
					
					

۱۰. جنس، اندازه و مراحل پیکرتراشی شیر سنگی در هفشيجان



عکس ۱۴: اتودهای اولیه از ساخت شیر سنگی در هفشيجان شیر سنگی ساخت

هنرمندان هفشيجان (منبع: پژوهش گر ۱۳۹۵)

سنگ‌های موردنیاز برای تراش شیر سنگی در هفشيجان، از کوه شاه منظر یا بُزکُر (محل گله‌های بز کوهی که در گذشته وجود داشته است) تأمین می‌شود. این سنگ‌ها عمدتاً از جنس مرمرید و سلیس و نخودی رنگ می‌باشد و در مقابل فرسایش و شرایط جوی به ویژه سرمای سخت منطقه، بسیار مقاوم است. هنرمند هفشيجانی برای ساخت هر شیر جهت ساخت را، از سه محور طول، عرض (ضخامت، پهنا) و ارتفاع موردبررسی قرار می‌دهد. به‌طور غالب طول شیرهای سنگی در هفشيجان بین ۱۶۰ تا ۲۲۰ سانتی‌متر (شیر نشسته و ایستاده) و ارتفاع ۶۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر (شیر نشسته) و ۹۰ تا ۱۴۰ سانتی‌متر (شیر ایستاده) و عرض ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر (ایستاده و نشسته) می‌باشد. یکی از فرآیندهای سخت در حرفه و هنر سنگ‌تراشی، پیکرتراشی و به‌نوعی شیرتراشی است.

این فرآیند شامل چندین مرحله است که عبارت است از: ۱. جدا کردن سنگ یا قلّه از معدن (سنگ بُری یا حُکمی، انتخاب تخت سنگ مناسب با ابعاد و ضخامت دلخواه. به سنگ جدا شده از معدن جهت تراش شیر و یا هر اثر سنگی دیگری در اصلاح محلی "قلّه بُر" می‌گویند. ۲. مشخص کردن ابعاد واقعی شیر به کمک طراحی و ترسیم ذهنی. ۳. بُرش (اجرای اتود اولیه و ابتدایی). ۴. تراش (سنگ‌تراشی) شامل کُلنگ‌زنی، قلم‌زنی، تیشه یا شانه، ساب نواری شامل ابزارزنی، پرداخت و ظریف‌کاری، براق و تمییز کردن. در این مرحله به حذف زوائد و اضافه‌های سنگ و منظم و دقیق‌تر کردن اطراف آن اصطلاحاً "کله بُر" و یا "سر سنگ رازدن"، می‌گویند. در تصاویر ۱۴ و ۱۵، نمونه‌هایی از اتودهای اولیه و مراحل نخستین شکل‌گیری و مراحل نهایی و پرداخت شیر سنگی نشان داده شده است. (کارگاه آقای حشمت باقری، هفشجان، ۱۳۹۵).



عکس ۱۵- پرداخت نهایی و تکمیل شیر سنگی

(منبع www.sazehnews.ir/fa/news)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

۱۱. ابعاد زیباشناختی و نمادین در آثار سنگی (سنگ مزارها و شیرهای سنگی)

هفشجان

جدول ۴: نقوش طبقه‌بندی شده به همراه زیرمجموعه‌ها در سنگ مزارهای هفشجان (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)	
جانوری	حیوانی شیر، یازن (بزکوهی)، شتر، اسب، گره اسب، گاو، گوساله، پرنده‌گان طاووس، بلبل، کبوتر، گنجشک، کبک، هدهد
انسانی	مرد شکارچی (اسب سوار)، اشاره به متوفی.
گیاهی	درخت‌های انتزاعی- درخت سرو (درخت زندگی، درخت مقدس)، انواع گل‌ها شامل گل شاه‌عباسی، گل لاله، بشه سرکج (جقه)
ابزارها و وسایل زندگی	ابزارهای بافتندگی شامل شانه، قیچی، دفتین، چاقو،
	ابزارهای سکار و نبرد شامل تنگ (به همراه همایل، فستق و قطار)، تیانه‌چیه (نوعی کلت قدیمی)، شمشیر و سپر، خنجر و گرز،
	وسایل مربوط به فرائض دینی (نماز) شامل مهر، تسبیح
	وسایل مربوط به نظافت شامل آینه و شانه
	زبورآلات شامل دستبند و التگو
خط‌نگاره‌ها و کتیبه‌ها	تاریخ تولید و وفات، لیبات و الشعار ادبی،
نقوش متفرقه	فرشته، خورشید،

ابعاد زیباشناختی شامل طرح و نقش و مفاهیم نمادین و آیینی در آثار سنگی هفشجان، بیش تر بر سنگ مزارها نقش پردازای گشته است تا شیرهای سنگی. در واقع به صورت محدود شیرهای سنگی دارای عناصر تزئینی و مفاهیم نمادین هستند. این نقوش به استثناء شیر سنگی که خود به عنوان عنصر هویتی، آیینی و یادبودی است، به صورت کلی شامل نقوش جانوری (حیوانی و پرنده‌گان)، انسانی، گیاهی، ابزارهای کاربردی، خط‌نگاره و کتیبه‌ها، اشکال هندسی، می‌باشد و هر طبقه شامل انواع متنوعی از نقوش می‌باشد. در جدول ۴، این نقوش به همراه زیرمجموعه آن‌ها نشان داده شده است.

۱۲. تحلیلی بر نقش مایه‌های نمادین و تزئینی حجاری‌شده بر متن سنگ

مزارهای هفشجان

انسان در مواردی که پای را در وادی اعتقادات، باورها و فرهنگ می‌گذارد برای ابراز اندیشه‌ها و مفاهیمی که بیان و توصیف کلامی آن نقش‌ها مشکل بوده از نقوش استفاده می‌کند که در فرهنگ معین، به معنی تصویر، ترسیم، صورت، رسم و طرح، آمده است (کاظم‌پور به نقل از معین، ۱۳۹۸: ۱۳۵). از این رهگذر «یکی از جلوه‌های فرهنگ در مراسم تدفین و هم‌چنین آئین‌های مرتبط با آن قابل‌درک است و در مکان‌های تدفینی و سنگ مزارها نمود می‌یابد بر همین اساس نقوش و تصاویری که سنگ‌تراشان بر مزارها ترسیم کرده‌اند دارای دو معنی است یکی معنای حقیقی و دیگری معنای استعاری و رمزی که ریشه در باورها، اعتقادات و سنن آن‌ها دارد» (کاظم‌پور، ۱۳۹۸: ۱۳۵). بر این مبنا «رمز پردازی یا نمادگرایی از ابزارهای هنرمندان سنگ‌تراش، برای بیان مفاهیم است و در فراسوی مرزهای ارتباطی جای دارد» (پیشین). در این بخش برخی از مهم‌ترین نقوش سنگ مزارهای هفشجان از منظر نمادگرایی، تحلیل و تفسیر می‌گردد.

۱۲-۱- نقش مایه شیر

یکی از نقوش برجسته و نمادین در هنر ایران و حجاری‌های هفشجان، شیر است. این نقش بر روی سنگ مزارها غالباً با شمشیر همراه است. شیر به عنوان نماد ملی ایرانیان، از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در میان باورهای انسانی داشته است. «شیر در ایران مظهر میترا، خورشید، گرما، تابستان، پیروزی، شجاعت، سلطنت، قدرت، نور و آتش است» (جانبز، ۱۳۷۰: ۶۱). شیر «نماد محافظت و نگهبان است. در آیین میترایسم، خورشید همان مهر و شیر هم نگهبان میتراست و مقام والایی دارد. بنابراین نماد شیر و خورشید که طی سالیان دراز به صورت‌های مختلف در میان بسیاری از آثار هنری باقی‌مانده، نمایانگر باروری است که شیر را به عنوان نگهبان و محافظ تلقی می‌کرده‌اند» (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴). این حیوان نماد «خورشید در زمین و عقاب نماد خورشید در آسمان است. نقش

عقاب با شیر در هنر ایران پیوند زمین و آسمان را نشان می‌دهد» (Hinnells, 1985: 10). از اواخر دوره سلجوقی، نقش شیر به تنهایی یا همراه با خورشید با مفهوم دینی و مذهبی پررنگ‌تری مورد توجه قرار گرفت. به این ترتیب که خورشید به عنوان نماد پیامبر (ص) و شیر به عنوان نماد امام علی (ع) بکار می‌رفت. «کاربرد شیرهای سنگی در امام‌زاده‌ها و یا روی سنگ قبور از همین اعتقاد ناشی می‌شده است. به گونه‌ای که بر شانه راست این شیرهای سنگی خورشید و در سمت چپ آن‌ها شمشیر قرار دارد» (خزایی، ۱۳۸۱: ۵۵).

شیر در میان اقوام به خصوص در جغرافیای بختیاری، دارای مفاهیم نمادین و رایج از قبیل شجاعت، دلاوری و قدرتمندی و نیز تداعی شخصیت حضرت علی (ع) است که به عنوان یادبود و زنده نگه داشتن صفات متوفی، بر سنگ مزار نقش‌پردازی می‌گردد. شیر هم به صورت تصویرپردازی شده و هم به صورت یک عنصر و اثر حجمی نمادین بر سنگ مزار، استوار می‌گردد. دیر زمانی مزارستان بزلر پر از انبوه شیرهای ایستاده سنگی و محافظ بود که امروزه دیگر اثری از آن‌ها نیست. اگرچه هنرمندان هفشجان با کنده‌کاری نقش شیر بر مزار یا پیکر تراشی شیر سنگی، سعی در زنده نگه داشتن این مفهوم نمادین در فضای مزارستان، داشته‌اند. در دوران اسلامی و به ویژه بینش شیعی، شیر نمودی از امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) و خورشید نمادی از حضرت محمد (ص)، است. در عکس ۱۶، نقش شیر و نیز احجام شیر بر سنگ مزارهای هفشجان که توسط هنرمندان این منطقه کنده‌کاری گشته، دیده می‌شود.



عکس ۱۶- نقش مایه شیر و شمایل‌های شیر سنگی بر روی سنگ مزارهای هفشجان (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)

۱۲-۲- نقش مایه‌های مرتبط با روح و جهان جاوید

در جهان‌بینی دینی و به‌طور خاص اسلامی، در هنگام مرگ، روح انسانی از بدن خاکی و زندان تن جدا گشته و به سوی آسمان و مرجع نخستین خویش یعنی حضرت حق تعالی به پرواز درمی‌آید. علاوه بر روح، ذکر و اشاره به جهان باقی و جاوید نیز بخشی از باورهای دینی و اسلامی است که با نمادهای دیگری نشان داده می‌شود. از این رهگذر، هنرمند حجار، بر آن است تا با نمادپردازی، یادآور این جهان‌بینی باشد. عناصر تداعی‌گر این بینش و باور نمادهایی همچون مرغ یا پرنده به عنوان نماد روح و نقوش درخت زندگی یا مقدس که در قالب نقوش انتزاعی درخت سرو یا گل، نشان می‌دهد و هم‌چنین گل‌دان، می‌باشد. در این بخش نمادهای یادشده، معرفی می‌گردد.

۱۲-۲-۱- نقش مایه مرغ (پرنده)

یکی از عناصر و نقش مایه‌های رمزی و نمادین که در فرهنگ، هنر، اساطیر و باورهای ایرانی و اسلامی جایگاهی برجسته دارد، مرغ یا پرنده است. این نقش مایه توسط هنرمندان سنگ تراش ایرانی در دوران باستان و اسلامی به تأسی از پیشینه، فرهنگ و آرمان نیاکان گذشته، آن را بر روی آثار هنری و به‌طور ویژه آثار سنگی نظیر سنگ مزارها بازتاب دادند. سنگ مزارها به ویژه در گذشته که نماینده معانی و مفاهیم فرهنگی بوده و بر مسائل آرمانی و اعتقادی هنرمند و مردم تکیه داشتند، مرتبط با شخص متوفی، معاد و روح یکی از محمل‌ها و زمینه پردازش نقش پرنده بودند. بر مبنای باورهای ایرانیان مسلمان پرنده بیش‌تر نماد روح انسان یا نماینده ارواح یا فرشتگان بوده یا گواه مدد‌های فرا طبیعی، اندیشه‌ها و پروازهای خیالی است.

هم‌چنین پرنده پیام‌آور و نیز استعاره‌ای از عاشق است. «روح به عنوان یک واقعیت در برخی از آثار صوفیه و حکمای الهی تمثیل‌های متنوعی یافته است و بیش از همه تمثیل آن به مرغی که در قفس تن اسیر شده، مورد توجه قرار گرفته است و این تمثیل در ادب و عرفان سابقه‌ای طولانی دارد» (کزازی، ۱۳۷۳: ۲۰). مرغ یا پرنده «در فرهنگ‌های دیرین و در دبستان‌های راز، جان را مرغ انگاشته‌اند، مرغی که در قفس تن گرفتار آمده است» (گنون، ۱۳۶۵: ۸). میرچا الیاده در ارتباط با مفهوم پرنده معتقد است: «پرنده‌گان در وهله نخست، تجلی خدایان و ارواح هستند، در عین حال آنان در قالب پیام‌آوران موجودات الهی و بهشتی نیز ظاهر می‌گردند. آنان پیشاپیش به معرفی راه‌ها می‌پردازند و سِمَت راهنما را عهده‌دار هستند. مادام که روح از جسم چه در آستانه مرگ و چه در خلسه، رها گردیده باشد، پرنده مظهر آزادی مطلق و برتری روح بر جسم و نماد رجحان روان بر هر آنچه زمینی است، می‌باشد. از این رو پرنده اغلب با الوهیت، ابدیت، قدرت، پیروزی، جلال و جبروت پیوند دارد» (الیاده، ۱۳۸۱: ۲۲۴). هنرمندان سنگ تراش هفشجانی بر مبنای عقاید و باورهای دیرین و یادشده، به اشکال مختلف این عنصر نمادین و نماینده روح را در متن

سنگ مزارها، نقش‌پردازی و کنده‌کاری کرده‌اند. در اغلب سنگ مزارهای هفشجان نقش پرنده همراه با گل و گلدان حجاری شده است (تصاویر ۱۷ و ۱۸).



عکس ۱۷- نقش‌مایه پرنده همراه با گلدان بر سنگ مزارهای هفشجان (منبع:

پژوهشگر ۱۳۹۵)

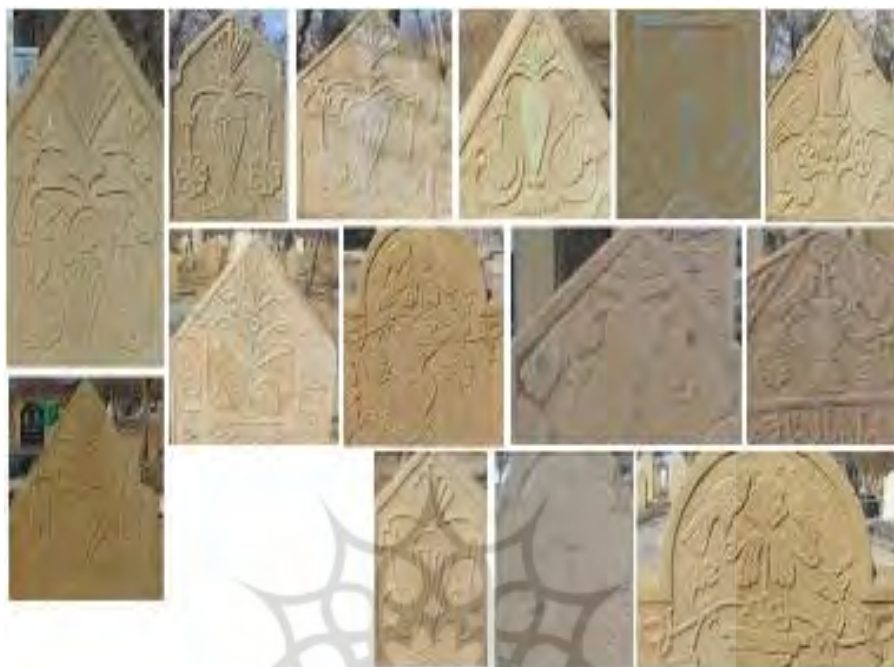


عکس ۱۸- نقش‌مایه پرنده همراه با گلدان بر سنگ مزارهای هفشجان (منبع:

پژوهشگر ۱۳۹۵)

۱۲-۲-۲- نقش مایه درخت زندگی (گل و گلدان)

از جمله نقوش برجسته و فراوان در سنگ مزارهای بزلر، نقش درخت و پرنده یا گل و پرنده است که به صورت انتزاعی و بی تکلف کننده کاری و حجاری شده است. در تمام سنگ مزارهای بزلر، نقش مایه درخت زندگی به صورت شکل گل و گلدان همراه با پرندگانی بر روی این درخت (گل) نمودار است. به طور کلی و بر مبنای باورها، درخت از گذشته‌های دور تا به اکنون یکی از پدیده‌های مقدس در میان مردم بشمار می‌رود. بر این اساس مضامینی چون درخت زندگی همواره جایگاه والایی در جهان‌بینی انسان در همه اعصار داشته است. درختی که خود نامیراست و میوه‌اش نیز حیات جاودانگی می‌بخشد. «درخت زندگی نمادی از فناپذیری، جاودانگی و بهشت است که معمولاً در تصاویر و نقوش، میان دو راهب و کاهن یا دو جانور افسانه‌ای (شیر، دال، شیردال، بز وحشی...) [یا دو پرنده] قرار دارد که نگاهبانان بشمار می‌روند، رمز نیروی مقدس و بیمناک است. برای چیدن میوه‌های این درخت که از آن اکسیر ملکوتی طول عمر یا جاودانگی به دست می‌آید، باید با نگاهبانان در آویخت، هر که در این نبرد پیروز شود، به مرتبه‌ای فوق انسانی ارتقا می‌یابد یعنی نامیرا و بی مرگ می‌شود (دو بو کور، ۱۳۸۷: ۱۳). جایگاه این درخت به گونه‌ای است که همواره توسط دو موجود محافظ می‌گردد. «تقدس درخت زندگی باعث شده است که نگاهبانان همیشه در دو طرف آن به محافظت پردازند، این نگاهبانان می‌توانند حیوانات واقعی یا افسانه‌ای باشند» (طاهری، ۱۳۹۰: ۴۴).



عکس ۱۹- نقوش درخت زندگی به همراه پرندگان محافظ بر سنگ مزارهای هفشجان (منبع: پژوهش گر ۱۳۹۵)

درخت زندگی یا همان گل و گلدان در سنگ مزارهای هفشجان، اغلب توسط دو پرندۀ محافظ که در طرفین آن حجاری گشته است، نگاهبانی و صیانت می‌شود. «در بیش‌تر سنگ مزارها، نقش گلدانی دیده می‌شود که پای سروی در آن جای می‌گیرد. گلدان به نشانه آرامش، آرامگاه، زهدان و جایگاه اصلی است» (تمیزی، ۱۳۹۲: ۱۸۱). گلدان گل «مانند جام گیرنده فعل و انفعالات ملکوتی است که از آن جمله می‌توان به باران و شب‌نم اشاره کرد. در ضمن یک گلدان گل که انواع گل‌ها را در خود جای داده است، می‌تواند خواص، فضایل و نمادهای همه آن‌ها را در یکجا گرد آورد و نشان دهد» (شوالیه، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۰۱). از طرفی شکل‌گیری این نقش بر روی قبور می‌تواند به خصائص انسانی و

نیکویی متوفا اشاره داشته باشد. نقوش گلدانی تخت فولاد در دوره صفوی اکثراً به صورت انتزاعی و همراه با نقوش اسلیمی بود، به طوری که گاه یک تزئین اسلیمی فرم گلدانی را شکل می‌داد. نقش مایه «گلدان را می‌توان نماد آرامگاه و جایگاه ابدی دانست و گل و بوته در آن را نقش سفرکردگانی دانست که به سوی خدا رجعت کرده و در گلدان ابدی جای گرفته‌اند» (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). در عکس ۱۹، نمونه‌هایی از درخت زندگی یا گل و گلدان به همراه پرندگان نشان داده شده است. وجود مرغان نمادین در دو طرف درخت یا گل، دو معنی را تداعی می‌کند. نخست این که خود این پرندگان نماد روح هستند و دوم محافظین درخت زندگی.

۱۲-۲-۳- نقش مایه طاووس

یکی از برجسته‌ترین پرندگان نمادین در حوزه فرهنگ، هنر و اساطیر ایرانی، طاووس است. این پرنده «نماد زیبایی و برکت در فرهنگ ایرانی پیش از اسلام است» (دهخدا، ۱۳۳۵، ۶۳). جی سی کوپر^۱ معتقد است: «این پرنده در باور ایرانی و به صورت طاووس‌های ایستاده در دو سوی درخت زندگی مظهر ثنویت و طبیعت دوگانه انسان است و در عقاید اسلامی دم آن نماد نفس و چشم آن ملازم چشمه دل است» (کوپر، ۱۳۷۹، ۲۵۶). در باورهای قومی و اساطیری و به اعتقاد پیشینیان «نابودکننده مار است و از این رو آن را عامل حاصلخیزی زمین دانسته‌اند» (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۱۴). از دیگر صفات طاووس می‌توان به «پادشاهی و سلطنت، تزئینات، تجمل، رستاخیز، زندگی توأم با عشق، زندگی درباری، زیبایی، شأن و مقام» (شیخی نارانی، ۱۳۸۹: ۲۸) اشاره کرد. طاووس به لحاظ جایگاه نمادین (مرغ بهشتی، تداعی کننده معاد و زندگی پس از مرگ)، یکی از مرغانی است که بر روی سنگ مزارها و به‌طورخاص سنگ مزارهای هفشجان کنده کاری شده است (عکس ۲۰).



عکس ۲۰- نقش مایه طاووس بر سنگ مزارهای هفشجان (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)

۱۲-۳- نقش مایه خورشید

نقش مایه خورشید، در مزارستان بزلر مربوط به دوران قاجار است و در برخی از سنگ مزارهای قدیمی این مزارستان دیده می‌شود. خورشید یکی از عناصر نمادین در سنگ مزارهاست. نقش خورشید به عنوان یک نماد در هنرهای تزئینی ایران جایگاه مهمی دارد. «خورشید در ایران باستان و دیگر فرهنگ‌های کهن، به دلیل کارکرد ظاهری (روشنایی و حرارت) و معنوی (بارور کننده عالم) از پشته‌های ادراکی، فرهنگی و نمادین برخوردار بوده و به عنوان یک نماد مشترک در تمامی دوره‌های تاریخی با صورت‌های گوناگونی بازنمایی شده است. در تمدن آشور "شمس" نماد خورشید و بخشاینده زندگی و در تمدن بابل، سومر و آکد، "اتو" خدای خورشید خوانده می‌شدند» (عتیقه‌چی، ۱۳۸۳: ۷۹).

هم‌چنین «ایرانیان، خورشید را برترین خدا و نشانه بی‌مرگی، برتری و نیرومندی می‌دانستند. هم‌چنین "میترا" یا "یزدمهر" را خدای روشنایی و نیرومندی می‌پنداشتند و خورشید را نماد او برمی‌شمردند» (یاوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۹). نقش خورشید در آثار هنری و دست‌ساخته‌های ایران از کهن‌ترین دوران تاریخ، با اشکال و صورت‌های نمادینی همچون حلقه، چرخ، دیسک، گل چند پر، اسب، پرنده، قرص بال‌دار، چلیپا و قرص کامل همراه با حواشی (به نشان تشعشعات خورشید) بازنمایی شده است (پیشین). در عکس ۲۱، نمونه‌ای از نقش مایه خورشید بر سنگ مزاری از هفشجان دیده می‌شود.

عکس ۲۱- نقش خورشید بر سنگ

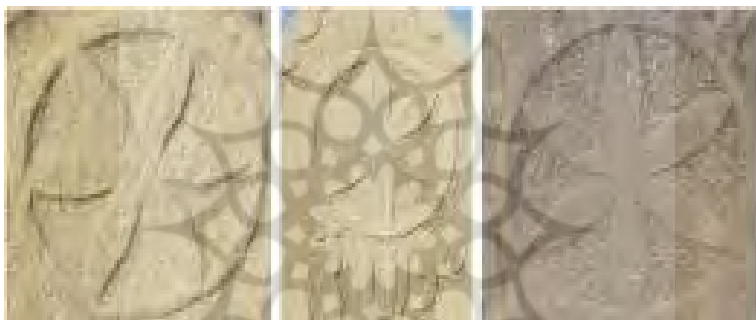
مزارهای هفشيجان (منبع: پژوهش گر ۱۳۹۵)



نقش مایه دایره (چرخ) زندگی

دایره یکی از نمادهای خورشید در تمامی ادیان و اساطیری است که خورشید در آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کرده است. حضور دایره در ادیان خدا- خورشید، از میان‌رودان شروع شد و سپس به ایران رفت (موسوی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۸). در میان‌رودان «دایره نماد "شمس" (خدای خورشید) به صورت چهار پر با چهار شعله یا پرتوی درون یک دایره بازنمایی شده است (هال، ۱۳۸۶: ۲۰۵). شکل دایره «در ایران باستان نیز از کارکردی مقدس برخوردار بوده و به صورت حلقه و گاه گل نیلوفر در دست فروهر نقش بسته که نمادی از کمال و پایان‌ناپذیری است (عتیقه‌چی، ۱۳۸۳: ۴۸). حتی «صفتی که در حکمت اسلامی به خداوند و از طریق آن به انسان کامل نسبت می‌دهند، در جهان‌شناسی سنتی به دایره تشبیه می‌شود (کریچلو، ۱۳۹۰: ۱۹). در هنر اسلامی، نقش دایره کامل‌ترین شکل و نمادی از توحید شناخته‌شده (مکی‌نژاد، ۱۳۸۱) که در زمینه‌های گوناگون به کاررفته است. در دوران هنر اسلام و نمود آن در نقش سنگ قبرها، برای دوری جستن از واقعیت مادی و نزدیکی به بطن حقیقت الهی، نقش‌ها از حالت طبیعی دور شده و به گونه‌ای تزئینی و تجریدی جلوه‌گر می‌شود، از جمله نقوش هندسی، دایره می‌باشد که کامل‌ترین شکل و از نظر نمادین در تمام دوره‌ها اهمیت تاریخی ویژه‌ای داشته است (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۷). نقش و شکل دایره «دایره علاوه بر مفهوم کمال، نمادی از خلق جهان و نیز

مفهوم زمان است. دایره نمادی است از حرکت پیوسته و مدور آسمان و با الوهیت نیز در ارتباط است، هم‌چنین روح نیز معرفی شده است» (پویان و خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). دایره با گل‌های شش‌پر در درون که به چرخ زندگی و سرنوشت، نیز مشهور است، یکی از نقش‌مایه‌های رایج بر سنگ‌مزارهای هفشجان و بر روی برخی از شیرهای سنگی، است. این نقش مایه نمودار حیات و مبین سن متوفی است. هر کدام از چرخ‌ها نشان‌گر ۵ یا به روایتی ۳ سال از عمر متوفی است. برای مثال متوفی در سن سی سال با شش دایره یا گل شش‌پر نشان داده شده است (عکس ۲۲).



عکس ۲۲- نقش مایه دایره زندگی نمودار سن متوفی بر سنگ‌مزارهای هفشجان (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نقش مایه آینه و شانه

شانه سر و آینه در فرهنگ و باورهای عامه از نمادهای پاکی و پاکیزگی است که به صورت نمادین بر سنگ‌مزارهای زنان کنده‌کاری می‌شد. این نقش مایه در دو شکل متفاوت بر سنگ‌مزارهای هفشجان حجاری گشته است (عکس ۲۳). شانه یک‌طرفه مربوط به مردان و شانه دو‌طرفه متعلق به زنان است.



عکس ۲۳- نقش مایه آینه و شانه سر بر سنگ مزارهای هفشيجان
(منبع: پژوهش گر ۱۳۹۵)

نقش مایه های مربوط به ابزار آلات بافندگی

نقوش مربوط به ابزار بافندگی، از دیرینه ترین نقوش کنده کاری شده بر سنگ مزارهای ايران است و مزارستان بزلر هفشيجان و سنگ مزارهای مربوط به زنانی که پیشه بافندگی داشته اند، از این ویژگی مستثنا نیستند. «در تمامی گورستان هایی که نقش مایه روایی دارند نقش مایه مرتبط با بافندگی و تجهیزات مرتبط با آن وجود دارد. نقوشی که نشان از بافندگی دارند با شواهد عینی زیر قابل شناسایی هستند» (کاظم پور، ۱۳۹۸: ۱۴۱). ابزار بافندگی در سنگ مزارهای هفشيجان شامل دفتیم، قیچی، چاقو، شانه، می باشد (عکس ۲۴). اگرچه در برخی از سنگ مزارهای ايران به ویژه غرب کشور (لرستان و آذربایجان) (عکس ۲۵)، دار قالی بافی نیز مشاهده می گردد.



عکس ۲۴- نقش دفتین (شانه) و قیچی

(ابزار بافندگی)، آینه و شانه سر

(منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)



عکس ۲۵- نقش دار قالی بافی (مقابل) و ورنی بافی (بالا) در

مزارستان حیات‌الغیب، (منبع: آرشیو شاه‌کرمی/Tezhgah.ir) و آس

کلیر (منبع: کاظم‌پور، ۱۳۹۷:۱۴۱)

نقش مایه حیوانات اهلی (اسب، گاو، شتر)

یکی دیگر از نقش‌مایه‌های حجاری شده بر سنگ مزارهای هفشجان، گاو شیرده به همراه گوساله آن است (عکس ۲۶). نقش مایه گاو در تمدن‌های گذشته به صورت نمادین و به عنوان نماد ماه و زمستان و یا محافظ و نگهبان کاخ‌ها و دژها به صورت ترکیبی با انسان (گاو بالدار - لاماسو) حضور یافته و همواره عنصری نمادین و مقدس در هنر و مذهب نمود و ظهور داشته است. «گاو نمادی از زمستان و شب‌های طولانی و شیر معرف تابستان و روزهای گرم و هم‌چنین نماد آغاز سال نو و عید نوروز می‌باشد» (خزایی، ۱۳۸۱: ۳۷) و این مفهوم به‌وضوح در نقش برجسته پلکان شرقی تخت جمشید در قالب جدال شیر

هفشيجان: کانون هنر حجاری ایران، بازخوانی و ... ، افروغ | ۱۹۷

و گاو (گرفت و گیر)، غالب شدن شیر بر گاو، نوید پایان سردی و تاریکی و آغاز روشنایی، گرمی و رویش، نمایان است. شتر (عکس ۲۶) از دیگر نقش‌مایه‌هایی است که بر سنگ مزارهای قدیمی هفشجان دیده می‌شود. گویی که پیشه متوفی شتربانی و ساربانان بوده است.

«شتر از حیواناتی است که انسان‌ها به ویژه ساکنین صحرا و بیابان، در دوره‌های گوناگون با آن بسیار ارتباط داشته‌اند، به همین سبب از دیرباز در جایگاه نماد در شعر و ادب حضور داشته است. در قرآن کریم سوره غاشیه (آیه ۱۷) به این حیوان توجهی خاص شده است "آیا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه به انواع حکمت و منفعت برای بشر خلق شده است؟" و آدمی را به تفکر درباره این حیوان تشویق می‌کند» (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶: ۶۳).



عکس ۲۶- نقش‌مایه گاو و گوساله و قافله شتر (منبع: پژوهش‌گر ۱۳۹۵)

نقش‌مایه‌های مربوط به زیورآلات زنان

از دیگر نقوش و آرایه‌های تزئینی در سنگ مزارهای هفشجان، می‌توان به نقوش زیورآلات زنان همچون گوشواره و دست‌بند اشاره کرد. که بر سنگ مزارهای زنان حجاری و نقش‌پردازی گشته است. نقوش زیورآلات در برخی از سنگ‌ها در کنار شانه،

دیده می‌شود. این نقوش نیز علاوه بر تزئین و آراستن سنگ، جنبه ماهیتی داشته و بر تفکیک مزار زنان از مردان اشاره دارد (عکس ۲۷).



عکس ۲۷- نقش مایه مربوط به زیورآلات (منبع: پژوهشگر ۱۳۹۵)

ظرفیت‌ها و کاربردهای امروزی هنر حجاری و آثار متنوع سنگی

هنر حجاری و سنگ تراشی به واسطه ماهیت سنگ و کاربرد آن در زندگی از گذشته تا به اکنون، همواره دارای ظرفیت و قابلیت‌های فراوانی در تولید انواع آثار سنگی بوده است. ساخت و تولید ظروف کاربردی و آثار و احجام تزئینی (عکس ۲۸)، از دیگر ابعاد سنگ و هنر سنگ تراشی است. هنرمندان هفشجان در کنار حجاری سنگ مزار و شیرهای سنگی، آثار کاربردی و تزئینی متنوعی را نیز تولید می‌کنند که از آن جمله می‌توان به انواع ظروف آشپزخانه نظیر دیگ‌ها و هاون‌های سنگی در اندازه‌های مختلف و یا شیرهای سنگی به عنوان مجسمه، ایلمان و آب‌نما، شیرهای تزئینی و مختص دکوراسیون در حجم‌های متنوع با حفظ اصالت و رعایت فرم‌های انتزاعی و ریخت‌های قدیمی و نقوش تزئینی اصیل، اشاره داشت.



عکس ۲۸- انواع آثار سنگی کاربردی و تزئینی تولید هنرمندان هفشيجان

(منبع: پژوهش گر <https://www.dana.ir/news/998797/۱۳۹۵>)

نتیجه گیری

شهر هفشيجان هم جوار با شهر کرد در استان چهارمحال و بختیاری، از گذشته تا به اکنون، یکی از برجسته ترین کانون های حجاری و سنگ تراشی ايران بوده است که بسیاری از آثار سنگی کاربردی نظیر درب های سنگی، انواع آسیاب های سنگی، ازاره ها و ستون های سنگی بناهای تاریخی استان چهارمحال و بختیاری که متعلق به خوانین بختیاری بوده است و نیز انواع و انبوه سنگ مزارها و شیرهای سنگی در جغرافیای بختیاری (استان های چهارمحال و بختیاری، اصفهان و خوزستان)، و دیگر آثار سنگی متنوع، همگی دست آفریده هنرمندان هفشيجان بوده است.

در این مقاله سعی بر آن بود تا هفشجان و هنر سنگ‌تراشی (به عنوان یکی از قدیم‌ترین و مهم‌ترین کانون‌های حجاری ایران به ویژه در جنوب، غرب و جنوب غربی) و دو نوع برجسته آثار سنگی آن یعنی سنگ مزارها و شیرهای سنگی، ابعاد فنی (ابزار و نحوه ساخت) و زیباشناختی (نقش‌پردازی و انواع نقوش) آن‌ها، معرفی و مورد بررسی، تحلیل و مستند نگاری قرار گیرد. آثار سنگی هفشجان برساخته از اندیشه، ذوق و خلاقیت خیال‌گون هنرمندان این دیار است که از دوران صفوی یا دقیق‌تر از دوران قاجار به این سو، حجاری و تولید گشت. با رصد و بررسی سنگ مزارها و شیرهای سنگی در مزارستان بزله هفشجان، مشخص گشت که سنگ‌های قدیم - بر مبنای تعداد محدودی که از آن‌ها باقی مانده - از نوع حجمی - مکعبی و بلند و مستطیلی است که بر زمینه آن‌ها نقوش هندسی و خط‌نگاره‌های زیبای نسخ و انواع نقوش جانوری شامل پرنده و حیوانات، شیر، گاو و گوساله، شتر، بز کوهی و نقوش گیاهی یا نباتی شامل درخت زندگی، گل و گلدان، نقش خورشید و زیورآلات، نقوش مربوط به ابزارهای بافندگی، شکار، نظافت و دیگر نقوش متفرقه، حجاری گشته است. نقوشی که بر مبنای باور و اعتقادات هنرمند و نیز با اهداف تزئینی، هم بر متن سنگ مزارها و هم شیرهای سنگی کنده کاری شده است.

علاوه بر سنگ مزار، آفرینش شیرهای سنگی در هفشجان نیز یکی از رویدادهای مهمی است که از گذشته تا به امروز استمرار داشته است. شیرهای سنگی که در گذشته با فرم و ریخت انتزاعی، ایستاده و لاغراندام، بسیار ساده و بدون تکلف تولید می‌شد. اما امروزه هنرمند فارغ از سنت‌های پیشین، انواع شیرهای سنگی را بر مبنای خلاقیت و نوآوری در ریخت‌های متنوع هم ایستاده و هم به صورت نشسته، کوچک و بزرگ و مهم‌تر با چهره‌هایی آرام، خشمگین یا شبیه به چهره انسان، همراه با رنگ‌پردازی و نقش‌پردازی عناصر و ابزارهای جنگ و شکار، طراحی و پیکرتراشی می‌نماید. علاوه بر آن، هنرمند با عبور از جنبه‌های کاربردی شیرهای سنگی، امروزه شیرهایی صرفاً تزئینی و جنبه دکوراتیو، در قالب‌ها و حجم‌های کوچک، تراش و تولید می‌کند. که این رویکرد،

هفشيجان: کانون هنر حجاری ایران، بازخوانی و ... ، افروغ | ۲۰۱

ضمن ایجاد کارآفرینی و تحول در کاربری این عنصر سنگی نمادین، تأکید و کمکی بر جنبه اقتصادی این گونه آثار هنری است.

سپاسگزاری:

از تمام استادکاران و مطلعان محلی که یاریگر ینده بوده اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

تعارض منافع:

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Afrough  <http://orcid.org/0000-0002-4866-8232>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: افروغ، محمد. (۱۴۰۲). هفشيجان: کانون هنر حجاری ایران بازخوانی و معرفی آثار حجاری (سنگ‌مزارها و شیرهای سنگی). دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۰(۲۰)، ۱۵۳-۲۰۳.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

منابع

- اعظم‌زاده، محمد و پورمند، حسنعلی. (۱۳۸۸)، "درآمدی بر نحوه شکل‌گیری نقوش در سنگ گورهای منطقه سفید چاه"، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۳۹: ۹-۱۰۲.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۴)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پویان، جواد و خلیلی، مژگان. (۱۳۸۹)، "نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبرهای قبرستان دارالسلام شیراز"، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴: ۱۰۷-۹۸.
- تمیزی، مهدی (۱۳۹۲)، در سایه سرو: سرونکاره‌های سنگ آرامگاه‌های مردم اصفهان، نشر رسم، چاپ اول.
- تناولی، پرویز. (۱۳۸۸)، سنگ قبر، تهران: نشر بنگاه. چاپ اول.
- جابز، گرتروود. (۱۳۷۰)، فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور، ترجمه: محمدرضا بقاپور، تهران: نشر اختران، چاپ اول.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۱)، نقش شیر در هنر اسلامی، مطالعات هنرهای تجسمی، شماره ۱۷، ۵۴-۵۷.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام. (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایرانی و هند در عهد باستان. تهران: نشر کلهر و دانشگاه الزهرا. چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۵)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران: چاپ اول.
- دوبوکور، مونیکی. (۱۳۸۷)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- زاگارل، آلن. (۱۳۸۷)، شیوه زندگی در ارتفاعات استان چهارمحال و بختیاری، ترجمه: کوروش روستائی، تهران: نشر میراث فرهنگی، چاپ اول.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۸۴)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد اول، تهران: نشر جیحون، چاپ اول.
- صفی‌خانی، نینا؛ احمدپناه، سید ابوتراب و خدادادی، علی. (۱۳۹۳)، نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴: ۸۰-۶۷.

هفتیجان: کانون هنر حجاری ایران، بازخوانی و ... ، افروغ | ۲۰۳

- طاهری، علیرضا. (۱۳۹۰)، درخت مقدس، درخت سخنگو و روند شکل‌گیری نقش‌واق، مجله باغ نظر، شماره ۱۹: ۵۴-۴۳.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۳)، شیر سنگی: پژوهشی در باب شیرسنگی در بختیاری، شهر کرد: انتشارات نیوشه، چاپ اول.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۸)، بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی بختیاری، مجله دانش‌های بومی ایران، شماره ۱۱: ۴۷-۱.
- قوکاسیان، زاون. (۱۳۹۲)، بخش مقدمه از کتاب در سایه سرو: سرونگاره‌هایی سنگ آرامگاه‌های مردم اصفهان (اثر مهدی تمیزی)، چ اول، تهران: نشر رسم.
- کاظم‌پور، مهدی. (۱۳۹۸)، مطالعه ابزارآلات ورنی‌بافی روستایی آذربایجان در دوره صفویه بر اساس مطالعه موردی، نقوش سنگ مزارهای گورستان آس کلیبر، مجله گلجام، شماره ۳۵: ۱۵۷-۱۲۹.
- کوپر، جی سی. (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه: ملیحه کرباسیان، تهران: نشر نو، چاپ اول.
- محمودی، فتانه. (۱۳۹۶)، تأثیر فلزکاری ساسانیان بر وایکینگ‌ها به واسطه روابط تجاری دو منطقه در مسیر جاده خزر، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۴: ۱۶۰-۱۴۱.
- محمودی، مریم و الیاسی؛ رضا. (۱۳۹۶)، نماشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس، مجله متن‌شناسی ادبی فارسی، شماره ۳۶: ۷۰-۵۷.
- معین، محمد. (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی. تهران: نشر امیرکبیر.
- هال، جیمز. (۱۳۸۶)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹)، رساله در تاریخ ادیان، تهران: نشر سروش، چاپ ششم.

- www.nasimshow.ir
- www.tezhgah.ir
- www.afkarnews.com